

قانون اساسی «من نوشته»!!

روز ۲۲ اردیبهشت ایمیلی با متن زیر به ایمیل جاوید ایران رسید:

((آقای ح ک؛

یکهفته پیش آقای نصر احمدی بالاخره دفتری بنام "قانون اساسی " حکومت پارلمان ایران " رایستائی" را جهت من فرستادند ۳۵ صفحه اول که کاملاً شعار است آن هیچ، باز آخر کتاب هم ۱۰ صفحه خود را معرفی کرده اند. این کتاب بنا به نوشته ایشان آئین فرمائروائی رایستائی ایران است و بر گیرنده ۵۰۰ بند (اصل) ماده و تبصره است این دفتر در آمریکا به سامان رسیده و در کتابخانه کنگره امریکا "مجلس ملی -پارلمان ایالات متحده آمریکا" به ثبت قانونی رسیده.

آقای ح-ک:

چگونه این دفتر را خدمت دکتر امیر فیض بدهید نمی دانم. متن این دفتر ۱۰۲ صفحه است اگر بشود یا صلاح بدانید به خود ایشان (دکتر احمدی) تلفن کنید که برایتان پست کند یا آدرستان را بمن ایمیل کنید من برایتان بفرستم.

شماره تلفن آقای نصر احمدی ۰۰۰۰۰۰۵ (۸۱۸) ((

در پاسخ نوشته شد:

با درود و سپاس...

داستان این آقای دکتر نصر احمدی را گمان کنم خدمتتان عرض کرده ام. او خود را «مخترع پادشاهی پارلمانی» می داند.

از این حضرت دکتر بپرسید «پادشاهی پارلمانی» یعنی چه؟ نخواهند توانست تعریف درستی بکنند چرا که سالها پیش من ایشان را آزموده ام و بجای پاسخ طفره میروند، و پرسش بعدی من این خواهد بود که اگر شما مخترع پادشاهی پارلمانی هستید چطور در یونان باستان یا در سال هایی که پادشاهی های اروپا جریان داشته و مجلس داشته اند آنان بدون «اختراع» شما زندگی را سر کرده اند؟؟ (در سال ۱۶۸۸ در پی یک انقلاب شکوهمند پادشاهی پارلمانی انگلستان بنیانگذاری شده است).

این آقای دکتر نصر احمدی قدری «زیادی مغزش» را کار می اندازد و بنابراین از میزان سواد من بالاتر است!.

مسئله من خیلی علاقه ای به نوشته های این «حضرت آقای دکتر!» ندارم زیرا درک آن بسیار مشکل خواهد بود... زیرا پیشینه ایشان را میدانم ولی اگر استاد امیرفیض بخواهند نمونه ای از کتاب را داشته باشند به عرض ایشان می رسانم و اگر تمایل داشتند به عرض شما خواهم رسانید چگونه عمل بشود.

قانون اساسی که یک نفر نوشته باشد چگونه قانونی خواهد بود؟

ح-ک

به پاسخ استاد امیر فیض نگاه دقیق می اندازیم:

]]برای سرکار.....

موضوع درباره قانون اساسی

سرکار..... پیام سرکار درباره قانون اساسی آقای نصر احمدی همراه لطف شما رسید؛ برای ارسال آن متشکرم. حاضر به قبول زحمت نیستم؛ زیرا نه حرکت مبارزاتی تلقی میشود و نه نیاز شخصی بدان هست.

قانون بطور کلی وضع مقرراتی است برای نظم و نسق جامعه که:

- ۱- از سوی مرجع صلاحیت دار قانونی وضع می شود؛
- ۲- از سوی مرجع قانونی صلاحیت دار تصویب و دارای مشروعیت قانونی میشود.

همین سیره و مسیر در مورد قانون اساسی هم جاری است با این توجه که قانون اساسی بعد از اینکه به جریان افتاد دوران قانونگذارها به اتکای آن قانون به ایجاد دستاورد های اقتصادی و قضائی و اجتماعی برای جامعه موفق گردید و اجد مشروعیت ملی میگردد.

بنابراین اینکه بنده نوعی قانون تاجه رسد به قانون اساسی بنویسم یک کار شخصی است نه قانون

اساسی، مانند این است که کسی خودش راننده کشوریانند کاری که نوعی بازی کودکان در سابق بوده است.

تولد قانون اساسی رامیتوان از جهاتی به تولد نوزاد تشبیه کرد همانطور که فرق است بین تولد نوزادی که ناشی از ازدواج بوجود میآید با نوزادی که از طریق تجاوز بوجود میآید. بین قانون اساسی که ناشی از انقلاب اصیل باشد با قانون اساسی که در اثر شورش نا پاک با مصالح دخالت خارجی و حتی خلاف مذهب تشیع (تشیع تا ظهور امام ۱۲ قیام علیه حکومت و شاه را شرعی نمیداند) و خلاف اسلام و تاریخ و فرهنگ ایرانی صورت گرفته و با دستاوردی که ناظریم روپرو شده نمیتواند و اجد مشروعیت ملی باشد.

از آنجا که شریان حیات حقوقی هرملتی از قانون اساسی آن کشور نضج و جان میگیرد؛ لذا هر جامعه ای و اجد یک قانون اساسی بیشتر هم نمیتواند باشد.

تا آنجا که خاطره سنگر حکایت دارد تاکنون شاید بیش از ۱۰ تن چه با ماموریت از سوی بختیار و یا سرخود به تنظیم قانون اساسی اقدام کرده اند و از آنها درسنگرها خواسته شده که باهرچه بازی میکنند با قانون اساسی و مشروعیت تداوم آن بازی نکنند.

زیرا وقتی یک مخالف جمهوری اسلامی قانون اساسی جدیدی رامینویسد و یا خواهان آن میشود معنایش این است که مشروعیتی برای تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت (۱۹۰۶ و متمم آن) هم قائل نیست و لاجرم به اصالت و حقانیت! همین قانون اساسی جمهوری اسلامی عمل، بیعت و تمکین خودنما میگردد و این چیزی نیست که ممکن است آقای نصر احمدی خواستار آن باشند.

با احترام امیرفیض []